

مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، علمی- پژوهشی، شماره پیاپی ۱۱- پاییز و زمستان ۱۳۹۳

دکتر رضا پیش‌قدم (استاد زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، نویسنده مسؤول)^۱

دکتر شهلا شریفی (دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد)^۲

آتنا عطاران (دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد)^۳

بررسی کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی:

شباهت‌ها و تفاوت‌ها

چکیده

با توجه به اهمیت گویش مشهدی در مقایسه با دیگر گویش‌ها، این پژوهش به دنبال بررسی فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی زبان فارسی و مقایسه آن با زبان انگلیسی است. از دیگر اهداف این پژوهش بررسی تأثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی بر میزان استفاده از فعل رفتن در گویش مشهدی می‌باشد. به منظور گردآوری داده‌ها، ۳۰۰ مکالمه در موقعیت‌های مختلف از خانم‌ها و آقایانی با سنین مختلف (۱۳ تا ۷۶ سال) با سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی متفاوت (پایین، متوسط و بالا) جمع‌آوری شد و نتایج به صورت جدول ارائه شد. جهت گردآوری داده در بخش انگلیسی و بررسی بیکره زبانی، از بانک‌های اطلاعاتی زبان و کتب مرجع استفاده شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که استفاده از فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی تحت تأثیر متغیرهای سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی می‌باشد. افزون بر این، کاربرد این فعل در گویش مشهدی و زبان انگلیسی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد.

کلیدواژه‌ها: گویش مشهدی، فعل رفتن، شدن، زبان انگلیسی.

۱. مقدمه

با نگاهی بر مباحث زبان‌شناسی می‌توان دریافت در طول دوره‌های مختلف بخش‌های مختلفی از یک متن و یا جمله مورد توجه زبان‌شناسان بوده است. با ورود به دوره

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۳۰

2- sh-sharifi@um.ac.ir

1- pishghadam@um.ac.ir

3- atena.attaran@stu-um.ac.ir

نقش‌گرایی^۱، زبان‌شناسانی چون اندرسون^۲ و شیرای^۳ (۱۹۹۴) و باردوی هارلیگ^۴ و رینولدز^۵ (۱۹۹۵) "فعل" جمله را مورد توجه خویش قرار دادند و سعی بر آن داشتند تا با بررسی افعال جمله به واکاوی معنا بپردازند؛ زیرا در این دوره آن‌ها به دنبال این بودند تا به ماهیت شکل‌گیری تدریجی نظام میان‌زبانی^۶ و نحو جملات^۷ پی ببرند. این زبان‌شناسان بر این باور بودند که با مطالعه فعل می‌توان به ذهنیت گوینده و یا نویسنده پی برد؛ چراکه این فعل جمله است که نوع فعالیت، کننده کار و کلمات هم‌نشین آن جمله را تعیین می‌کند.

هلیدی^۸ (۱۹۷۵، ۲۰۰۳) نیز با تأثیرپذیری از مکتب سازنده‌گرایی^۹ به دنبال این بود تا با واکاوی کلام نشان دهد در هر عبارت زبانی با در نظر گرفتن موقعیت و معنا، چه کسانی، چگونه و درباره چه چیزی صحبت می‌کنند. از این رو، وی زبان را فراتر از یادگیری ساختارها می‌داند و اهمیت ویژه‌ای برای معنا و نقش قائل است (به نقل از پیش‌قدم، ۱۳۹۲: ۴۵). اما سوال اصلی این است که آیا انتخاب واژه در میان گویشوران زبان‌های مختلف با ذهنیتی یکسان تفاوت دارد؟ باید خاطر نشان کرد که تمامی زبان‌ها کلمات هم‌نشین یکسانی برای یک فعل ندارند و افعال گوناگون در زبان‌های مختلف، معانی ضمنی و یا واژگانی متفاوتی را دربردارند؛ لذا، لازم است تا با انجام مطالعات مقایسه‌ای به تفاوت‌های موجود در میان زبان‌ها پی برد و به درک عمیق‌تری از هر زبان رسید.

قابل ذکر است این تفاوت‌ها و شباهت‌ها محدود به مقایسه زبان‌های گوناگون نمی‌شود. بلکه، گویش‌های متفاوت یک زبان از جمله گویش‌هایی چون مشهدی در زبان فارسی می‌توانند موضوعات خوبی برای مطالعه باشند. گویش مشهدی و یا به عبارت دیگر، فارسی مشهدی که در چند سال اخیر

1. Functionalism
2. Andersen
3. Shirai
4. Bardovi-Harlig
5. Reynolds
6. Inter-language System
7. Syntactization
8. Halliday
9. Constructivism

مورد بی توجهی متکلمان خود قرار گرفته است و گونه نازل در نظر گرفته می شود یکی از نزدیک ترین گویش ها به فارسی معیار است (وحیدیان، ۱۳۸۴)؛ لذا با توجه به اهمیت این گویش، در این پژوهش بر آن شدیم تا فعل رفتن به معنای "شدن" را در گویش مشهدی زبان فارسی مورد واکاوی قرار دهیم و به مقایسه آن با زبان انگلیسی بپردازیم. به نظر می رسد زبان انگلیسی دارای ساختاری شبیه به گویش مشهدی در خصوص فعل رفتن می باشد.

۱. پیشینه تحقیق

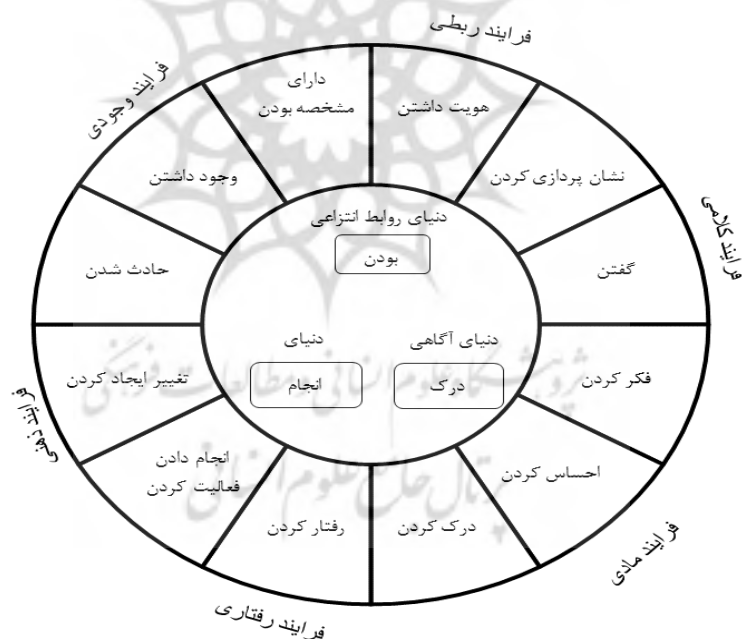
۱.۱. فرایندهای نقش تجربی هالیدی

در دستور نقش گرا فرض بر این است که الگوهای تجربه در قالب فرایندها و از طریق فرانشی اندیشگانی در زبان تجلی می یابند. هلیدی (۲۰۰۴) در کتاب *مقدمه ای بر دستور نقش گرا*^۱ سه فرایند اصلی مادی^۲، ذهنی^۳ و رابطه ای^۴ و سه روند فرعی رفتاری^۵، کلامی^۶ و وجودی^۷ را برای گروه های فعلی معرفی کرده است. در این طبقه بندی، فرایندهای فرعی و ترکیبی از فرایندهای اصلی منشعب می شوند. تامسون^۸ (۲۰۰۴: ۸۹) اعتقاد دارد این فرایندها با در نظر گرفتن حس مشترک و مشخصه های دستوری از یکدیگر تمیز داده می شوند. به کمک حس مشترک، رویدادها را تشخیص می دهیم و دستور نیز تأییدی است برای این حس مشترک.

بر اساس این تقسیم بندی، فرایندهای مادی همچون خلق کردن، رنگ کردن، ساختن، اتفاق افتادن، رفتن و غیره اعمالی فیزیکی هستند که بر رخداد یک واقعه یا انجام کاری دلالت دارند و به تجربه ما از دنیای بیرون مربوط می باشند. فرایندهای ذهنی که شامل ادراک، شناخت و واکنش های ذهنی می شوند به تجربه ما از جهان خودآگاهی خودمان ارتباط دارند. این فرایندها با افعالی همچون تصمیم گرفتن، دوست داشتن، ترسیدن، درک کردن، فکر کردن و خواستن همراه هستند. توصیف، شناسایی و یا بیان

1. An introduction to functional grammar
2. Material
3. Mental
4. Relational
5. Behavioral
6. Verbal
7. Existential
8. Thomson

رابطه بین دو چیز یا پدیده با یکدیگر در قالب فرایند رابطه‌ای و با استفاده از افعال ربطی همانند بودن، شدن، به‌نظر رسیدن، تبدیل شدن و غیره بیان می‌شوند (به نقل از هلیدی و متیسن^۱، ۲۰۰۴: ۴۲). در مرز فرایندهای اصلی، سه فرایند فرعی نیز وجود دارند: رفتاری، کلامی و وجودی. فرایندهای رفتاری شامل رفتارهای جسمانی و روان‌شناختی انسان می‌باشند و بین فرایندهای مادی و ذهنی قرار می‌گیرند؛ همانند نگاه کردن، گریه کردن، لبخند زدن، نفس کشیدن، آواز خواندن، نشستن و غیره. فرایندهای کلامی بین فرایندهای ذهنی و رابطه‌ای قرار داشته و شامل فرایندهایی از نوع گفتن می‌شوند؛ مانند صحبت کردن، گزارش دادن، پرسیدن، دستور دادن و مانند آن. سرانجام، فرایندهای وجودی که بین فرایندهای مادی و رابطه‌ای قرار دارند بیانگر وجود داشتن یا اتفاق افتادن چیزی می‌باشند؛ به‌عنوان نمونه وجود داشتن، ظاهر شدن، آویزان بودن، باقی ماندن و غیره (آفاگل‌زاده، زعفرانلو کامبوزیا و رضویان، ۱۳۹۰: ۲۴۹). شکل زیر خلاصه‌ای است از آنچه گفته شد:



شکل ۱- دستور نقش تجربی هلیدی: انواع فرایندها در زبان انگلیسی (هلیدی، ۲۰۰۴: ۱۷۲)

۲.۱. گونه، گویش، لهجه و زبان

همواره زبان به عنوان وسیله ارتباطی بشر شناخته می شده است؛ لیکن، باید به خاطر داشت اهمیت و پیچیدگی زبان بسی فراتر از این بوده و مایه تمایز انسان و حیوان است. البته، لازم به ذکر است که مفاهیم زبان، گونه، گویش و لهجه اصطلاحاتی ابهام‌انگیز بوده که اغلب به جای هم نیز به کار می‌روند (ورداف^۱، ۱۹۸۶: ۲۱) به علاوه، از آنجایی که تعاریف موجود برای هر کدام از این اصطلاحات کاملاً دقیق و عینی نبوده و حتی گاهی در تضاد نیز می‌باشند، لازم است این الفاظ با توجه به اوضاع زبانی هر کشور و در همان حوزه تعریف گردند (صادقی، ۱۳۴۹: ۶۹).

برخی از زبان‌شناسان این مفاهیم را براساس معیار "درک متقابل" تعریف می‌کنند (مدرسی، ۱۳۶۸: ۴۸). براین اساس، گویش شامل گونه‌هایی از زبان است که تفاوت‌های آوایی، واژگانی و ساختاری دارند، لذا فهم آن‌ها برای گویشوران آن زبان از جمله فارسی‌زبانان مشکل بوده و گاهی نیاز به آموزش رسمی وجود دارد؛ ولی، در هر صورت از آن زبان مشتق شده‌اند؛ که نمونه‌های آن در زبان فارسی عبارتند از: فارسی کابلی و فارسی تهرانی (ر. ک. صادقی، ۱۳۴۹: ۷۵؛ مدرسی، ۱۳۶۸: ۲۹؛ دبیر مقدم، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

لهجه نیز به گونه‌هایی از زبان اشاره دارد که تفاوت‌های آوایی و واژگانی دارند؛ ولی از لحاظ ساختار متفاوت نیستند. برخلاف گویش، سخنگویان دو لهجه با وجود تفاوت‌های تلفظی بدون نیاز به آموزش سخن یکدیگر را می‌فهمند؛ مانند تهرانی و شیرازی (باطنی، ۱۳۵۴: ۱۸؛ شیری، ۱۳۸۶: ۵۱؛ کلباسی، ۱۳۷۴: ۳۱) اصطلاح زبان به دو گونه زبانی که دارای شکل واحد نبوده، صورت‌های گفتاری و نوشتاری متفاوت داشته و سخنگویان آن‌ها فهم‌پذیری متقابل ندارند اطلاق می‌شود؛ به عنوان نمونه، کردی و بلوچی در ایران زبان محسوب می‌شوند (دبیر مقدم، ۱۳۸۷؛ مدرسی، ۱۳۶۸؛ شیری، ۱۳۸۶). گونه نیز اصطلاحی خنثی است و همان‌طور که در تعاریف فوق دیده شد در مورد گویش، لهجه و زبان به عنوان مفهومی کلی به کار می‌رود (۱۳۸۷: ۹۹).

۱.۳. گویش مشهدی

گویش مشهدی که البته برخی زبان‌شناسان اصطلاح لهجه را نیز به آن اطلاق می‌کنند، از دیرباز مورد توجه محققان بوده و مطالعات گوناگونی در زمینه‌های غیرزبان‌شناختی (به‌عنوان نمونه بینش، ۱۳۳۹؛ ادیب، ۱۳۴۱؛ میرخدییو، ۱۳۶۳؛ اکبری شالچی، ۱۳۷۰؛ ناظران‌پور، ۱۳۸۶) و زبان‌شناختی در مورد آن انجام شده است.

تاکنون تحقیقات متعددی گویش مشهدی را توصیف و تحلیل نموده و به بررسی جنبه‌های مختلف این گویش پرداخته‌اند؛ به‌عنوان مثال، ظفر محجوب (۱۳۴۱) و مشکوه‌الدینی (۱۳۸۷) تفاوت‌های آوایی لهجه محلی مشهدی و فارسی معیار را واکاوی نموده‌اند. حبیب‌الهی (۱۳۴۷) و خزاعی (۱۳۸۸) به مطالعه افعال در گویش مشهدی پرداختند. وحیدیان کامیار (۱۳۸۴) و فیروزیان (۱۳۸۹) ویژگی‌های فارسی مشهدی و فرایندهای واجی آن را مورد کاوش قرار دادند. به‌علاوه، بررسی صامت میانجی در گویش مشهدی نیز مورد توجه برخی از زبان‌شناسان بوده است همچون حسینی (۱۳۸۸) و پهلوان‌نژاد (۱۳۸۹). یکی از حوزه‌های مربوط به گویش مشهدی که همواره مورد بحث و واکاوی بوده است کاربرد آن در طبقات اجتماعی مختلف و سنین متفاوت است. زارعی (۱۳۸۵)، داورپناه (۱۳۸۷) و پهلوان‌نژاد (۱۳۸۸) تأثیر عوامل مختلف از قبیل سن، جنسیت و طبقه اجتماعی را در کاربرد این گویش بررسی نموده‌اند. همچنین حسینی معصوم و حسینی (۱۳۹۲) تأثیر این عوامل جامعه‌شناختی را بر فرایندهای واجی در گویش مشهدی مورد مطالعه قرار داده‌اند. برخی چون حیدری‌پور (۱۳۸۸) نیز با در نظر گرفتن کم‌رنگ شدن لهجه مشهدی در میان مردم، به بررسی فرایند مرگ این لهجه پرداخته‌اند.

در میان پژوهش‌های انجام‌شده هیچ‌کدام به بررسی کاربرد فعل رفتن به‌جای شدن در گویش مشهدی نپرداخته‌اند؛ لذا، در این پژوهش برآنیم تا موارد استفاده این فعل را در گویش مشهدی مورد کاوش قرار داده و همچنین این فعل‌ها را با آن دسته از افعال انگلیسی که در آن رفتن به معنای شدن به‌کار رفته است مقایسه نماییم. از دیگر اهداف این تحقیق مطالعه تأثیر متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات بر میزان استفاده از فعل رفتن با این معنا در

گویش مشهدی می‌باشد. به‌علاوه، برآنیم با به‌کارگیری تحلیل نقش تجربی هالیدی، نگاهی به بررسی این فعل در گویش مشهدی و زبان انگلیسی داشته باشیم.

۲. روش تحقیق

جمع‌آوری داده در بخش واژگان هم‌نشین با فعل رفتن در گویش مشهدی از بهمن ۱۳۹۲ در شهر مشهد آغاز و تا فروردین ۱۳۹۳ ادامه پیدا کرد. داده‌ها از میان گویشواره‌های زنان و مردانی با سنین مختلف (۱۳ تا ۷۶ سال) و سطح تحصیلات و شرایط اجتماعی متفاوت (پایین، متوسط و بالا) جمع‌آوری شد. این افراد دارای شغل‌های متفاوتی (خانه‌دار، محصل، راننده، مهندس و غیره) بودند که فعل رفتن را در معنای شدن در مکالمات روزمره خود به‌کار می‌بردند. همچنین، شایان ذکر است که این افراد گویشور بومی مشهدی بودند و مشهدی تنها گویشی بود که آن‌ها بدان تکلم می‌کردند.

تعداد کل شرکت‌کنندگان این تحقیق ۲۵۰ نفر بود که به چهار گروه سنی (۴۵ نوجوان، ۸۵ جوان، ۶۲ میان سال و ۵۸ سالخورده)، دو گروه جنسیت (۱۴۵ خانم و ۱۰۵ آقا)، سه گروه از منظر طبقه اجتماعی (۵۰ نفر بالا، ۱۳۵ نفر متوسط و ۳۵ نفر پایین) و سه گروه از حیث میزان تحصیلات (۱۶۰ نفر دارای تحصیلات دانشگاهی و ۹۰ نفر فاقد تحصیلات دانشگاهی) تقسیم شدند. تقسیم‌بندی گروه‌های سنی بر مبنای ۱۵ سال انجام گرفت که به‌نظر می‌رسید گویای تغییر نسل می‌باشد. طبقه اجتماعی افراد شرکت‌کننده نیز براساس منطقه سکونت و میزان درآمد به سه گروه تقسیم‌بندی گردید.

نمونه‌هایی از مکالمات این افراد (۳۰۰ مورد) در مناطق مختلف شهر مشهد و در هر موقعیت ممکن ضبط گردید و سپس بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد. جمع‌آوری تا زمانی که اشباع کامل صورت پذیرفت ادامه داشت. اشباع به این معنا است که اطلاعات جدیدی به مجموعه داده‌ها اضافه نشود (یین^۱، ۲۰۱۰: ۴۸). در پایان، پس از حذف موارد تکراری نمونه‌هایی گویا از کاربرد فعل رفتن انتخاب و نتایج به‌صورت جداولی خلاصه شدند.

جهت گردآوری داده در بخش انگلیسی و بررسی پیکره زبانی از بانک‌های اطلاعاتی زبان انگلیسی همچون American National Corpus، Cambridge English و Corpus of Contemporary American English، Oxford Dictionary of Collocations، Collins، Longman Dictionary استفاده شد. سپس از ۲ بومی انگلیسی خواسته شد تا آن‌ها را بررسی کنند و در صورت وجود موارد دیگر، آن‌ها را به لیست اضافه نمایند. نتایج این بخش نیز جهت انجام مقایسه در جدولی گردآوری شدند.

۳. نتایج تحقیق

۱.۳. موارد کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی، زبان فارسی و زبان انگلیسی

همان‌طور که ذکر شد، پس از بررسی نمونه‌های گردآوری شده از گویش مشهدی، مثال‌هایی که در آن‌ها رفتن به معنای شدن به کار رفته بود جهت بررسی بیشتر و انجام مقایسه در جدولی خلاصه گردید:

جدول ۱- کاربرد فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی

کاربرد فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی	
خدمت سربازیم تموم رفت / دَرَسَم تموم رفته	شنیدم برادرش هم کشته رفته!
پسرم امسال هفت سالش رفت	الهی تیکه تیکه بری که ایچور نیچی جلو آدم
موتم مخوام عضو برم	اصلا وقتی کعبه رو تو تلویزیون میبینم دلم هواپی مره
هوا گرم/سرد رفته	سپیل آمده خانه‌هاشان خراب رفته
توی ای هوای گرم مته مرغ سوخاری رفتیم چتر وردار که تو بارونا خیس نری	خفه رو
دیدی دست موسن (محسن) چکار رفته؟	پسره چی حروم رفت با این داماد شدنش
برم دستامو بشورم آلفش رفته	ای آدم بشو نیس. پشیمون نرفته هنوز
جونم‌رگ رفته بگیر بشین غذا تو بخور دیگه	لباسات چی کنیف رفته! کجا بودی؟
یره چه دوره خیطی رفته	همچی دستش خورد تو دیوار که سیاه رفت
دلم مته قبلا تنگ نمره، همه چی برام عادی رفته	با این اوضاع مردم درن بیچاره/ خانه خراب مرن
فهمید مو دیدم از خجالت قرمز رفت	اصلا مگه حرف حالیش مره
فهمیدی چی شده؟ شایعه رفته که ...	آدم از دست کارای تو دیوانه مره
جدیدا شلوارای چسب مد رفته	انگار بلدش نمیاد داماد بره

قربونت برم	خوبی پارچه‌اش اینه که نخ‌کش نمره
سیم پاره رفت	موهایش خیلی میریزه. فک کنم داره کل مره
آمد ای وسط ولو رفت	رنگ و روش مٹ (مثل) گچ رفته
مواظب باشن اسراف نره	تا اوادم به خودم پیام که کی کیفم زده از جلو چشمام ناپدید رفت
میتم سوار اتوبوس بُرم	مریضه؟ چی زرد و زار رفته!
تا شنیدم شوکه رفتم	بیچ این قسمتش هرز رفته
هم عین یخ تو آب وا رفتم	روزا که کوتاه مره تا آدم به خودش مُجَنبه هوا تاریک مره
با این دعواها راه ها سخت مره	ساعتت قروت رفت
سال که تحویل رفت	مست رفتن
چند ماه پیش تقویم از دستم افتاد برگه‌هاش کنده رفت	دیگه از قرص خوردن خسته رفتم
بنده خدا الان زیر یه خروار خاک دفن رفته	دیگه باهار (بهار) شده همه درختا سبز رفتن
همه از برد پرسپولیس تو خانه ما خوشحال (خوشحال) رفتن	طرف چه چیزی رفته!!!
از مو دلسرد/ناراحت رفتی؟	عاشقش رفته بودم
مانشالله امروز چه خوشگل رفتی!	بالاخره وقت شام خوردن رفت که...
شب‌ها بلند رفته	بمیرم بچم موهایش همه سفید رفته
بیکار/استخدام رفتن	باباش دیشب حالش خراب/بد رفته
می‌بینم رنگ و روت وا رفته	ای (این) کفش‌ها بر (برای) پام تنگ رفته
بیزار رفتم از این مهمونیا	شستمش گشاد رفت
بعد از دعوا مان باهام نرم رفته	بابای مو ضامن رفته که بهش کار بدن
همچین خنک رفت	بعد ۱۰ سال آزاد رفته
هلاک رفتم از تشنگی	پاشم برم که دیر نره
هرچی مگردم پیدا نمره/ پتوم گم رفته	اگه دیگه ایرم بهش بُدم که زیادش مره
چه خبره؟ باز گرون رفته؟ / ارزون رفته	

علاوه بر نمونه‌های ذکر شده، فعل رفتن در برخی دیگر از عبارات زبان فارسی کاربرد دارد که مختص لهجه مشهدی نبوده و لزوماً به معنای شدن نمی‌باشند. مثال‌هایی از این قبیل در جدول زیر گردآوری شده‌اند:

جدول ۲- کاربرد فعل رفتن در اصطلاحات فارسی

کاربرد فعل رفتن در اصطلاحات فارسی	
اصلاً پاک یادم رفت	حوصله‌ام سر رفت
پام خواب رفته	دلم ضعف می‌ره
سرم رفت بس که حرف زدن	غذا داره سر می‌ره
رنگ و رو رفته	سرم گیج می‌ره آقای دکتر
از جا/کوره در رفتن (عصبانی شدن)	در رفتن (فرار کردن/پاره شدن)
دیگه ازدواج جوان‌ها از دست پدر و مادر ها در رفته	دستش از بند در رفته
اصلاً پاک یادم رفت	هرز رفتن: هدر شدن
رنگ لباس رفته	حوصله‌ام سر رفت
آبروشون رفت	کش رفتن (دزدیدن)
در فکر فرو رفتن	برقا رفت
پس/پیش رفتن	از خنده ریشه رفتن
ماشینم ضربه خورده گل گیرش تو رفته	تحلیل رفتن

پس از جستجو در بانک‌های اطلاعاتی انگلیسی نمونه‌هایی از کاربرد فعل رفتن که در

فارسی به معنای شدن بود جمع‌آوری شده و نمونه‌هایی گویا ارائه گردید:

جدول ۳- کاربرد فعل رفتن به معنای شدن در زبان انگلیسی

کاربرد فعل رفتن به معنای شدن در زبان انگلیسی	
زبان انگلیسی	زبان فارسی
Go bankrupt/belly up	ورشکسته شدن
Go missing	گم شدن
Go astray	گم/گیج شدن
Go red/yellow/black/white...	قرمز/زرد/سیاه/سفید ... شدن
My headache is gone	سردردم خوب شد
Go dark	تاریک شدن
Go bald	کچل شدن
The army go into action	دست‌به‌کار شدن
Go blind/deaf	کور/کَر شدن
Go cheap	ارزان شدن
Go crazy	دیوانه شدن
Go mad	عصبانی شدن
Go numb	بی‌حس شدن

Go public	وارد بورس شدن
Milk goes sour	فاسد شدن
Go wild	وحشی شدن
Go quiet	ساکت شدن
Go bad	خراب شدن
Go away	دور شدن
Go viral	ویروسی شدن
Go out of business	بیکار شدن
Go into partnership	شریک شدن
Go awry	منحرف شدن
Go on board	سوار شدن
Go into great detail	وارد جزئیات شدن
Go bail	ضامن شدن
Go berserk/angry	عصبانی شدن
Go broke	بی پول/ورشکسته شدن
Go halves	شریک شدن
Go haywire	گیج شدن
Go sick	مریض شدن
Go well	خوب شدن
Go up in price	گران شدن
Go with the crowd/tide	همرنگ جماعت شدن
Go down	غرق شدن
Go off	فاسد شدن
Go out	خاموش شدن
Go over	منتقل شدن
Go ape	هیجان زده شدن
Go bananas	دیوانه شدن
Go down the drain	کاملاً اسراف شدن/حرام شدن
Go downhill	بدتر شدن
Go nonlinear	برآشفتگی شدن
Go quickly/slowly	به سرعت/به آرامی سپری شدن
The money goes to the project	هزینه صرف پروژه می شود

پس از بررسی عبارات انگلیسی که در آن‌ها فعل *GO* به کار رفته و در زبان فارسی معنای شدن دارد، کاربرد این افعال در گویش مشهدی نیز مورد واکاوی قرار گرفت. نتایج حاکی از این است که تقریباً تمامی مثال‌های ذکر شده در گویش مشهدی با فعل رفتن به کار می‌روند؛ یعنی مشابه کاربرد انگلیسی این اصطلاحات که در آن‌ها فعل *GO* استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال:

جدول ۴- کاربرد مشترک فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی

کاربرد مشترک فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی	
زبان انگلیسی	گویش مشهدی
Go bankrupt/belly up	ورشکست رفتن
Go missing	گم رفتن
Go astray	گم/گیج رفتن
Go red/yellow/black/white...	قرمز/زرد/سیاه/سفید ... رفتن
My headache is gone	سر دردم خوب رفت
Go dark	تاریک رفتن
Go bald	کچل رفتن
Go into action	دست به کار رفتن
Go blind/deaf	کور/کَر رفتن
Go cheap	ارزان رفتن
Go crazy	دیوانه رفتن
Go mad	عصبانی رفتن
Go numb	کَرخ رفتن
Go public	تو کار بورس رفتن
Milk goes sour	فاسد رفتن
Go wild	وحشی رفتن
Go quiet	ساکت رفتن
Go bad	خراب رفتن

Go away	گم رفتن
Go viral	ویروسی رفتن
Go out of business	بیکار رفتن
Go into partnership	شریک رفتن
Go awry	منحرف رفتن
Go on board	سوار رفتن
Go into great detail	وارد جزئیات رفتن
Go bail	ضامن رفتن
Go berserk/angry	عصبانی رفتن
Go broke	بی پول/ورشکست رفتن
Go halves	شریک رفتن
Go haywire	گیج رفتن
Go sick	مریض رفتن
Go well	خوب رفتن
Go up in price	گران رفتن
Go with the crowd/tide	همرنگ جماعت رفتن
Go down	غرق رفتن
Go off	فاسد رفتن
Go out	خاموش رفتن
Go over	منتقل رفتن
Go ape	هیجانی رفتن
Go bananas	دیوانه رفتن
Go down the drain	اسراف رفتن
Go downhill	بدتر رفتن
Go nonlinear	برآشغفته رفتن

۳.۲. تأثیر متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات بر کاربرد فعل رفتن

۳.۲.۱. سن

از آنجایی که شرکت‌کنندگان در این تحقیق از سنین مختلف (۷۶-۱۳ سال) بوده‌اند، جهت انجام مقایسه میان آن‌ها با در نظر گرفتن حداقل و حداکثر سن شرکت‌کنندگان، چهار گروه سنی تعریف نموده و سپس به بررسی پرداختیم:

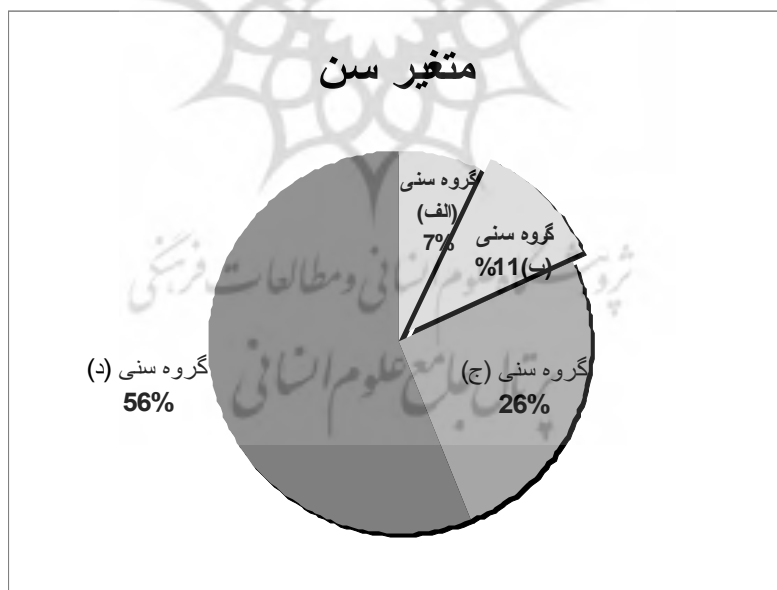
الف) ۱۹-۱۳ سال: نوجوان

ب) ۳۵-۲۰ سال: جوان

ج) ۵۰-۳۶ سال: میان‌سال

د) ۷۶-۵۱ سال: سالخورده

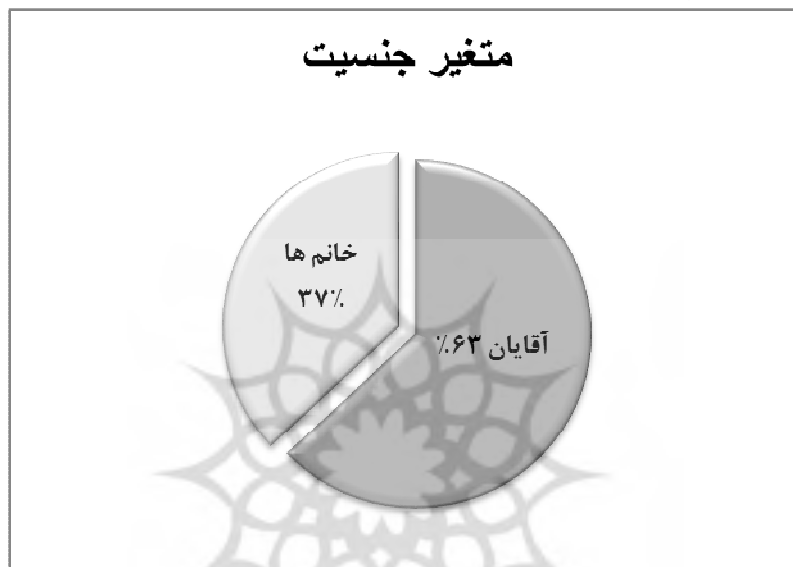
بررسی فراوانی استفاده از فعل رفتن به معنای شدن نشان داد کاربرد این فعل در گروه سنی د (۵۶٪) به مراتب بیشتر از سایر گروه‌های سنی می‌باشد.



نمودار ۱- فراوانی استفاده از فعل رفتن به معنای شدن در گروه‌های سنی مختلف

۲.۲.۳. جنسیت

پس از تقسیم شرکت کنندگان به دو گروه زن و مرد، از حیث میزان به کارگیری فعل رفتن در معنای شدن دو گروه مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن بود که آقایان (۶۳٪) به مراتب بیشتر از خانم‌ها (۳۷٪) از این فعل استفاده می‌کنند.



نمودار ۲- فراوانی استفاده از فعل رفتن به معنای شدن توسط خانم‌ها و آقایان

۳.۲.۳. طبقه اجتماعی

با در نظر گرفتن این نکته که برخی از شرکت کنندگان از طبقه اجتماعی بالا برخوردار بوده و برخی متعلق به طبقه اجتماعی متوسط یا پایین بودند، از این حیث آن‌ها را به سه گروه تقسیم نمودیم:

الف) طبقه اجتماعی بالا

ب) طبقه اجتماعی متوسط

ج) طبقه اجتماعی پایین

نتایج به دست آمده حاکی از این است که فعل رفتن در معنای شدن در طبقه اجتماعی بالا کاربرد بسیار اندکی (۹٪) داشته و بیشتر در طبقه اجتماعی پایین (۶۵٪) و متوسط (۲۶٪) افراد در مکالمات خود از این فعل استفاده می‌کنند.



نمودار ۳- فراوانی استفاده از فعل رفتن به معنای شدن در طبقات اجتماعی مختلف

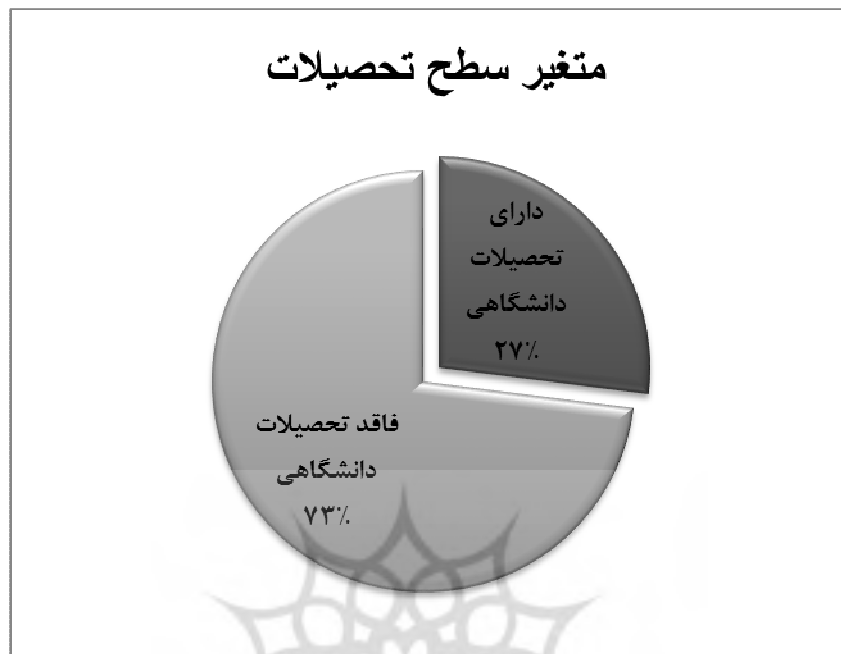
۳.۲.۴. میزان تحصیلات

با توجه به این نکته که تعدادی از شرکت‌کنندگان دارای تحصیلات دانشگاهی بوده‌اند و تعدادی فاقد آن، افراد به دو دسته تقسیم شدند:

الف) دارای تحصیلات دانشگاهی

ب) فاقد تحصیلات دانشگاهی

مقایسه شرکت‌کنندگان در این دو گروه نشان داد که فعل رفتن به معنای شدن در ۲۷٪ از موارد توسط افراد در گروه (الف) و در ۷۳٪ از موارد توسط افراد در گروه (ب) استفاده شده است.



نمودار ۴- فراوانی استفاده از فعل رفتن به معنای شدن توسط شرکت کنندگان با سطح تحصیلات مختلف

۴. بحث و نتیجه گیری

همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، هدف از انجام این تحقیق بررسی فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی زبان فارسی و زبان انگلیسی و انجام مقایسه بین این دو بود. افزون بر این، از دیگر اهداف این پژوهش می توان به بررسی تاثیر متغیرهایی از قبیل سن، جنسیت، سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی بر میزان استفاده از فعل رفتن در گویش مشهدی اشاره نمود. جهت دستیابی به هدف اول تاحدامکان نمونه هایی از کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی و زبان انگلیسی جمع آوری شده و افعال مشترک بین این دو گروه در جدولی جداگانه قرار داده شدند. مقایسه و بررسی این افعال به لحاظ کیفی حاکی از این است که هم در گویش مشهدی و هم در زبان انگلیسی اغلب زمانی که فعل رفتن معنای کاربرد منفی دارد در معنای شدن به کار می رود؛ برای مثال: دیوانه رفتن، عصبانی رفتن، ورشکست رفتن. به علاوه، تحلیل

کمی نتایج نشان می‌دهد که فعل رفتن به معنای شدن در گویش مشهدی کاربرد بسیار بیشتری نسبت به زبان انگلیسی دارد.

از آنجایی که فعل تجلی زبانی شدن فرایندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای و غیره است و گوینده با توجه به معنای مورد نظرش و انتقال آن به مخاطب، فعلی از میان افعال موجود در گنجینه ذهنی خود انتخاب می‌کند، با واکاوی و کنکاش افعال می‌توان به ذهنیت افراد پی برد. از این رو، با توجه به نظریه تحلیل نقش تجربی هالیدی (۲۰۰۴) به گروه فرایندهای رفتاری تعلق دارد، زمانی که این فعل به معنای شدن مورد استفاده قرار می‌گیرد، در گروه فرایندهای ربطی جای خواهد گرفت؛ به عبارت دیگر، با استفاده از رفتن به معنای شدن، این فعل از یک فرایند رفتاری یا فیزیکی به فرایندی ربطی تبدیل می‌شود. این بدین معناست که بعد انتزاعی فعل رفتن (با معنای شدن) در گویش مشهدی نقش پررنگی را ایفا می‌کند. گویشوران مشهدی نه تنها این فعل را در خطاب به فعالیت‌های فیزیکی به کار می‌برند بلکه برای نسبت دادن و یا توصیف ویژگی‌های مختلف به شرایط و افراد نیز از این فعل استفاده می‌کنند.

بررسی نتایج به دست آمده در گروه‌های سنی مختلف حاکی از این است که افراد میان سال و سالخورده تمایل بیشتری به کاربرد فعل رفتن در گویش مشهدی دارند و با کمتر شدن سن، میزان استفاده از این فعل و گویش به طور چشم‌گیری کاهش می‌یابد. تفاوت میان گروه‌های سنی در این مورد می‌تواند تا حدودی به شکاف نسل‌ها مرتبط باشد. به بیان ساده‌تر، همان‌گونه که هر نسل زبان خاص خود را دارد که گاهی بسیار متفاوت از نسل‌های پیشین است (به نقل از پرنسکی^۱، ۲۰۰۱: ۳؛ لورل^۲، ۲۰۰۵: ۱۶)، به کارگیری گویش مشهدی نیز به نظر می‌رسد تاحدی مختص نسل‌های گذشته بوده و رفته‌رفته کم‌رنگ شده است.

مقایسه خانم‌ها و آقایان در به کارگیری فعل رفتن نشان می‌دهد که در اکثر مواقع خانم‌ها سعی بر اجتناب از استفاده از این فعل و اساساً گویش مشهدی دارند و آقایان به مراتب بیشتر از

1. Prensky
2. Laurel

این فعل استفاده می‌کنند. یکی از عوامل مؤثر بر این تفاوت می‌تواند تأثیر جنسیت بر زبان باشد. همان‌گونه که ادواردز^۱ (۲۰۰۹: ۴۴)، لیکاف^۲ (۱۹۷۳: ۶۲ و ۱۹۹۰: ۱۰۲)، مینالت^۳ (۱۹۸۴: ۱۶۳) و هدایت (۱۳۸۴: ۲۹) نیز بیان می‌کنند، زبان مورد استفاده خانم‌ها و آقایان از جنبه‌های مختلفی با هم تفاوت داشته و خانم‌ها بیشتر زبانی "استاندارد" و "بانووار" را ترجیح می‌دهند و شاید اجتناب از گویش مشهدی و این فعل در آن‌ها مربوط به ویژگی‌های زبانی خاص خانم‌ها باشد.

بررسی دو عامل دیگر؛ یعنی طبقه اجتماعی و سطح تحصیلات حاکی از این است که با بالا رفتن سطح اجتماعی و تحصیلی افراد، میزان استفاده آن‌ها از فعل رفتن و گویش مشهدی کاهش می‌یابد و این نکته می‌تواند صحه‌ای باشد بر کم‌رنگ شدن زبان فارسی رسمی؛ زیرا، خراسان خاستگاه فارسی دری بوده و گویش مشهدی برخلاف سایر گویش‌ها تقریباً هیچ تفاوتی با فارسی معیار ندارد (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۳: ۵۵۸). به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد با اجتناب افراد دارای سطح تحصیلات و اجتماعی بالاتر (مانند اساتید دانشگاه) از به‌کارگیری گویش مشهدی، به تدریج از زبان فارسی معیار فاصله می‌گیریم.

یکی دیگر از مسائل حائز اهمیت در مورد فعل رفتن و شدن در گویش مشهدی این است که فعل شدن در این گویش در اکثر مواقع با رفتن جایگزین می‌گردد و در موارد کمی مشاهده شد که این فرایند به صورت معکوس عمل می‌کند. به بیان ساده‌تر، در برخی از موارد فعل شدن به جای رفتن استفاده می‌شود؛ به عنوان مثال، *یادم رفت (یادم شد) و حوصله‌ام سررفت (حوصله‌ام سر شد)*.

در این پژوهش با بررسی پیکره زبانی و انجام مشاهدات بیرونی به این نکته پی بردیم که فرایند مرگ گویش مشهدی رفته‌رفته پررنگ‌تر می‌شود. به نظر می‌رسد همسو با یافته‌های حیدری‌پور (۱۳۸۸) امروزه نگرش افراد به گویش مشهدی تغییر کرده و اغلب استفاده از این گویش را معادل کاهش اعتبار و جهت خود می‌دانند. افزون بر این، برخلاف سایر گویش‌ها،

-
1. Edwards
 2. Lakoff
 3. Minault

امروزه گویش مشهدی جنبه شوخی و خنده را فراهم نموده و به منظور ایجاد لحنی طنزگونه از آن استفاده می‌شود.

در این پژوهش ما به بررسی فعل رفتن به شکل توصیفی پرداختیم، پژوهش‌های بیشتری می‌تواند در این خصوص به شکل توضیحی انجام گیرد تا شاید علت استفاده از آن در گویش مشهدی مشخص شود. افزون بر این، مطالعه ای تاریخی در خصوص این فعل در زبان فارسی و ادبیات می‌تواند کاربرد امروزی آن را توجیه نموده و زوایای بیشتری از دلیل این گونه استفاده را شفاف نماید.

کتابنامه

- ادیب طوسی، م. (۱۳۴۱). «لغات نوقانی (مشهدی)». نشریه دانشکده ادبیات تبریز. ۱. ۴۱-۱.
- آقاگل زاده، ف.، زعفرانلو کامبوزیا، ع.، و رضویان، ح. (۱۳۹۰). «سبک‌شناسی داستان براساس فعل: رویکرد نقشگرا». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). ۱. ۲۴۳-۲۵۴.
- اکبری شالچی، ا. (۱۳۷۰). فرهنگ گویش خراسان بزرگ. تهران: نشر مرکز.
- باطنی، م. (۱۳۵۴). مسائل زبان‌شناسی نوین: ده مقاله. تهران: انتشارات آگاه.
- بینش، ت. (۱۳۳۹). «چند اصطلاح هواشناسی در لهجه مشهدی». نشریه فرهنگ خراسان. ۱. ۳۳-۳۶.
- پهلوان‌نژاد، م. ر. (۱۳۸۸). «بررسی و توصیف واژگانی در گویش مشهدی». چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ۴۸.
- پهلوان‌نژاد، م. ر. (۱۳۸۹). «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی». خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. سمنان، ۷.
- پیش‌قدم، ر. (۱۳۹۲). «معرفی زبانهنگ به عنوان ابزاری تحول‌گرا در فرهنگ‌کاوی زبان». مطالعات زبان و ترجمه. ۴(۴۵): ۶۲-۴۷.
- حبیب‌الهی، م. (۱۳۴۷). «کیفیت و بررسی فعل در لهجه مشهدی». مجله دانشکده ادبیات مشهد. ۳-۲۰۰، ۲۴۴.
- حسینی، ز. (۱۳۸۸). «بررسی صامت‌های میانجی در گویش مشهدی». چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ۶۱.

- حسینی معصوم، سید محمد و حسینی، سیده تکتم. (۱۳۹۲). «بررسی فرآیندهای واجی در گفتار کاربران لهجه مشهدی با تحصیلات مختلف در مقایسه با زبان فارسی معیار». *مجله زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان* (دانشگاه فردوسی مشهد). پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص ۱۱۹-۱۴۱.
- حیدری‌پور، م. (۱۳۸۸). «فرایند مرگ لهجه مشهدی: عوامل و روش‌های جلوگیری از آن». چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ۶۶.
- خزاعی، آ. (۱۳۸۸). «بررسی و توصیف آوایی افعال در گویش مشهدی». چکیده مقالات اولین همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد. مشهد، ۷۱.
- داورپناه، ا. (۱۳۸۷). «بررسی اجتماعی زبان فارسی در مشهد». نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایران. دانشگاه سیستان و بلوچستان. زاهدان، ۵.
- دبیر مقدم، م. (۱۳۸۷). «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». *ادب پژوهی*. ۵. ۱۲۸-۹۱.
- زارعی، م. (۱۳۸۵). *بررسی جامعه‌شناختی گوناگونی گویش مشهدی براساس متغیرهای سن، طبقه اجتماعی و جنسیت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه پیام نور تهران.
- شیری، ع. (۱۳۸۶). *درآمدی بر گویش‌شناسی*. تهران: نشر مازیار.
- صادقی، ع. ا. (۱۳۴۹). «زبان فارسی و گونه‌های مختلف آن». *فرهنگ و زندگی*. ۲. ۷۳-۶۶.
- ظفر محجوب، ز. (۱۳۴۱). *گویش مشهدی*. پایان‌نامه کارشناسی. مشهد دانشگاه فردوسی مشهد.
- فیروزیان، آ. (۱۳۸۹). «بررسی فرآیندهای واجی در گویش مشهدی براساس واج‌شناسی خودواحد». خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران، سمنان، ۱۱۳.
- کلباسی، ا. (۱۳۷۴). *فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)*. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مدرسی، ی. (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مشکوه‌الدینی، م. (۱۳۸۷). «رابطه لهجه رسمی و لهجه‌های محلی زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. ۱. ۷۱-۸۲.
- میرخدیوی، ا. (۱۳۶۳). *اشعار مشهدی: گزیده شیرین‌ترین لطایف نظم و نثر و اشعاری به لهجه مشهدی از آداب و رسوم مردم خراسان*. مشهد: کتابفروشی باستان.
- ناظران‌پور، م. (۱۳۸۶). *برخی از آداب و رسوم مشهد قدیم به لهجه شیرین مشهدی*. مشهد: سنبله.

نجاتیان، ح. (۱۳۹۰). بررسی و توصیف گویش مشهدی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۳). «گویش مشهدی». دومین همایش زبان‌های ایرانی و زبان‌شناسی ایران، ۵۵۱-۵۶۷.

وحیدیان کامیار، ت. (۱۳۸۴). «بررسی کوتاه ویژگی‌های فارسی مشهدی». فرهنگ و هنر خراسان، ۱۳، ۱۰۷-۱۰۱.

هدایت، ن. (۱۳۸۴). «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا». دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۴، ۴۰-۱۷.

Andersen, R. W., & Shirai, Y. (1994). "Discourse motivations for some cognitive acquisition principles". *Studies in Second Language Acquisition*, 16, 133-156.

Bardovi-Harlig, K., & Reynolds, D. (1995). "The role of lexical aspect in the acquisition of tense and aspect". *TESOL Quarterly*, 107-131.

Edwards, J. (2009). *Language and identity*. Cambridge: Cambridge University Press.

Halliday, M. K. A. (1975a). *Learning how to mean: Exploration in the development of language*. London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. (2003b). *The language of early childhood*. New York: MPG Books, Ltd.

Halliday, M. A. K. (2004c). *An introduction to functional grammar*. London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K., & Matthiessen, Ch. (2004). *An Introduction to functional grammar* (3rd ed.). London: Edward Arnold Publishers Ltd.

Lakoff, R. (1973). "Language and women's place". *Language and Society*, 2, 45-79.

Lakoff, R. (1990). *Talking power*. New York: Basic Books.

Larsen-Freeman, D. (1997). "Chaos/complexity science and second language acquisition". *Applied Linguistics*, 18, 141-165.

Laurel, D. (2005). *Bridging the generation gap*. Madison, Wisconsin: Laurel and Associates, Ltd.

Minault, G. (1984). "Begamati Zuban: Women's language and culture in nineteenth-century Delhi". *India International Centre Quarterly*, 11(2), 155-170.

- Prensky, M. (2001). "Digital natives, digital immigrants". *On the Horizon*, 9 (5), 1-6.
- Thomson, G. (2004). *Introducing functional grammar*. Oxford: Oxford University Press.
- Wardhaugh, R. (1986). *An introduction to sociolinguistics*. Basil: Blackwell.
- Yin, R. K. (2010). *Qualitative research from start to finish*. New York: The Guilford Press.

